همراه کردن

همراه کردن به معنای ارتباط دادن چیزی با شخص یا چیزی است.

بیشتر افراد مهمانی های تولد را با تفریح ​​همراه می کنند.

محیط

محیط مکانی است که افراد در آن کار یا زندگی می کنند.

تمیز نگه داشتن محیط زیست برای سلامتی ما مهم است.

کارخانه

کارخانه ساختمانی است که در آن اشیا ساخته و یا کنار هم قرار می گیرند.

ما فقط یک کارخانه در شهر خود داریم.

ویژگی

یک ویژگی قسمت مهمی از چیزی است.

تلفن همراه از ویژگی های بسیاری برخوردار است.

نمونه، مثال

یک مثال نمونه ای از چیزی است.

من هرگز نمونه ای از نفرت را تجربه نکرده ام. شما چطور؟

درگیر کردن یا شدن

درگیر کردن به معنای مشارکت فعال در چیزی است.

تمام خانواده درگیر بازی بودند.

دارو

دارو چیزی است که شما برای بهتر شدن یا معالجه بیماری مصرف می کنید.

دکتر به من داروی سرماخوردگی داد.

ترکیب

ترکیب چیزهای مختلفی است که در کنار هم قرار داده شده است.

مخلوط سبزی که در کلاس علوم درست کردیم روی میز ریخت.

سازمان دادن

سازماندهی یعنی برنامه ریزی یا آماده شدن برای یک رویداد.

لیستی تهیه کنید تا به شما در سازماندهی موارد مورد نیاز کمک کند.

دوره زمانی

دوره زمانی است که وقایعی در ان رخ ی دهد .

در یک دوره در اروپا ، شوالیه های زیادی وجود داشتند.

ساکن شدن

اگر مردم در منطقه ای ساکن شوند ، در آنجا زندگی می کنند.

میلیاردها انسان در زمین زندگی می کنند.

تولید کردن

تولید چیزی ساختن یا رشد آن است.

این درخت هر ساله سیب تولید می کند.

دامنه

محدوده, یک عدد یا مجموعه موارد مشابه است.

من طیف وسیعی از ماشین ها را برای انتخاب دیدم.

تشخیص دادن

شناختن چیزی دانستن آن است زیرا قبلاً آن را دیده اید.

من یک دوست قدیمی را از سالها پیش شناختم.

منظم

اگر چیزی منظم باشد ، غالباً و در زمان های مساوی اتفاق می افتد.

ساعت ناهار منظم ما حدود ظهر است.

امضاء کردن

علامت اعلانی است که اطلاعات ، راهنما ، هشدار و غیره را می دهد.

این علامت نشان می داد که امروز روز بدی خواهد بود.

نوک

نوک نقطه ی انتهایی چیزی است.

نوک قلمش خیلی تیز بود.

سنت

سنت کاری است که مردم مدتهاست آن را انجام می دهند.

ازدواج یک رسم در همه دنیا است.

زباله ها

سطل زباله مواد زائد یا چیزهای ناخواسته یا بی ارزش است.

لطفا سطل زباله را بیرون بیاورید بوی بدی می دهد

وسیع

اگر چیزی پهن باشد ، از این طرف به آن طرفش بزرگ است.

در به اندازه بازوهایم پهن بود.

جو دنیا را به مکانی بهتر تبدیل کرد. او ایده این کار را در مدرسه پیدا کرد. او در آنجا ویدئویی تماشا کرد. این در مورد یک کارخانه بود. این کارخانه زباله زیادی تولید کرده و آن را در رودخانه ای قرار داد. آشغال و آب مخلوط بدی بود. مردم منطقه ی كنار رودخانه آلوده كرده و آب آن را نوشيدند. این باعث بیماری آنها شد. بسیاری از آنها به دارو احتیاج داشتند و به طور منظم به پزشکان مراجعه می کردند.

اما این ویدیو همه خبرهای بدی نبود. این روش هایی را برای جمع آوری زباله و اینکه چرا انجام این کار مهم است نشان داد. این ماده می گوید افراد می توانند در محیط زندگی خود تغییری ایجاد کنند. ویژگی های مهم ویدئو باعث می شود که جو زباله ها را با افراد آسیب رسان مرتبط کند.

یک روز جو از میان پارک عبور کرد. او برخی از مشکلات را از این ویدئو تشخیص داد. یکی از این مشکلات زباله های موجود در حوضچه بود. پر از لیوان پلاستیکی بود. زباله زیاد بود جو نمی خواست که به کسی آسیب برساند.

او در مورد پارک به پدربزرگش گفت. پدربزرگ او گفت ، "می دانید ، این در خانواده ما سنت است که به مردم کمک می کنیم. به همین دلیل است که ما به افراد فقیر غذا می دهیم. شاید بتوانید با نظافت پارک به مردم کمک کنید. "

تمیز کردن پارک مستلزم کار سختی است. جو تصمیم گرفت گروهی را برای کمک به او تشکیل دهد. او منطقه وسیعی از پارک را انتخاب کرد. بیشترین زباله را داشت. او از خانواده و دوستانش خواست که بیایند. روز شنبه او به همه چوب تیز داد. آنها تعجب کردند که چرا او گفت ، "شما از نوک چوب برای برداشتن زباله استفاده می کنید. این کار را آسان تر می کند. " آنها شش هفته کار کردند. افراد مختلف هر بار کمک می کردند ، اما جو همیشه آنجا بود.

در آن دوره از زمان ، جو نتایج مختلفی را مشاهده کرد. هیچ زباله ای در آب وجود نداشت. مردم می توانستند در آن شنا کنند. جو می دانست که این نشانه خوبی است. او خوشحال بود زیرا به محیط زیست خود کمک کرد.